

سرنوشت هرکدام در دنیای دیگر تعیین گردیده است . ذیلاً " به چگونگی عکس‌العملی که بعضی انسانها، درمقابل دعوت انبیاء نشان می‌داده‌اند براساس آیات کریمه قرآن اشاره می‌شود:

(انفال ۸) يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ لَا يُنظَرُونَ .
 بانو درامر حق مجادله می‌کنند، واین جدالشان بعد از آنستکه حق برایشان روشن گردید . ایشان درمثل مانند کسانی هستند که حالت آنان بشرح زیر توصیف شده‌است .

(اعراف ۷) وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يُنظَرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصَرُونَ
 چنانچه ایشان را به هدایت بخوانی ، گوش نمی‌کنند ، و مشاهده می‌کنی که آنان به تو نگاه می‌کنند اما نمی‌بینند .

حضرت نوح بعد از دعوت طولانی و طبری بسیار، سیما و حالت مردمی را که دعوت می‌کرده است ازطریق بیان عبارات زیر تصویری نماید وگله مندی خود را به پیشگاه پروردگار بازگو می‌کند .

(نوح ۷۱) هرآینه من هرگاه خواندم ایشان را تا مشمول آموزش تو قرار گیرند ، انگشتانم را در گوشه‌هایشان قرار دادم ، وجامه‌های خود را به سرکشیدند ، و اصرار برنافرمانی کردند و سرکشی متکرانه کردند .
 قوم نوح به آنحضرت نه تنها بی‌اعتنائی داشتند بلکه نسبت گمراهی (اعراف ۵۷ / ۵۹) دادند .

قوم عاد دربرابر نصیحتی که حضرت هود می‌نمود ، نسبت سفاقت (اعراف ۷۰) به ایشان دادند . حضرت صالح به امر خدا از قوم خود خواست که به شتری که خداوند معلنسوم

مسئولیت (۳)

عدم پذیرش فرمان

باوجود منهیات و اعلام نتایج شوم بدی برای انسانهای عاصی و غالی، با وجود اوامر مؤکد درانجام تکالیف و اعلام پادشاهی موفوری که برای مومنان و مخلصان هست ، مع الوصف انسانهایی هستند که تن به مسئولیت نمی‌دهند ، و شوائی ندارند . نافرمانان که تعداد آنها کم نیست عقائد و رفتارهای گوناگونی دارند . درقرآن کریم حالات و صفات مختلفی از هرکدام ذکر شده و به نحوه رفتار ، طرز فکر و گفتار آنان اشاراتی شده و حاصل عمل ، و

دین شناسان و فقیهان صالح تعیین تکلیف می کنند!

عده ای هستند که حتی اولین و بارزترین فرائض را که نماز و روزه و خمس است نمی گزارند و نمی گیرند، و نمی پردازند تا چه رسد به به جهاد و دفاع از دین خدا که از شنیدن نامش هم هراسناک اند!

رفتار مومنان مستوول

در هر عصری عده ای هستند که تمام همشان را در راه اطاعت امر و اشاعه احکام خدا، و هدایت مردم مصروف میدارند، هر قول و عملی را که دارند با معیار و میزان شرعی می سنجند و انطباق می دهند. اگر کافران و مشرکان و منافقان تعدادشان در زمین بسیار است، اما هر بیست مومن مخلص توان مقابله با دوستان و بیشتر آنها را داراست، و قدرتی را که خداوند به مومنان اعطاء می فرماید از این هم بیشتر است. و در مجموع بر مبنای وعده خدا، غلبه با خدا و رسولان، و عزت از آن خدا و رسول و مومنان است.

(صافات $\frac{۳۷}{۱۷۳}$) **وَإِنْ جَدَدْنَا لَهُمُ الْقَالِبُونَ**
بدرستیکه لشکریان ما، هستند که غالب اند.
(مائده $\frac{۵}{۵۶}$) **فَإِنَّ جُزْأَ اللَّهِ هُمُ الْقَالِبُونَ**
همانا حزب خدا غالب می آیند.

(منافقون $\frac{۶۳}{}$) **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ**
عزت از آن خدا، و رسول او و از آن مومنین است، اما مردم منافق نمی دانند.

از جمله احوال مومنان آنستکه با نام خدا ماء نوس اند و به هر چه می نگرند او را می بینند و دل بیاد او خوش دارند (انفال $\frac{۸}{}$)
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ

داشته است تعرض نکنند و او را آزاد گذارند تا بچرد، اما آنان برخلاف فرمان خدا و رسول نه تنها شتر را آزاد ننهاده اند، بلکه آنرا کشتند.

حضرت لوط قوم خود را از شهوترانی بر حذر می داشت، او را تهدید کردند که از شهر بیرون می کنیم (اعراف $\frac{۷}{۶۴}$). **شعیب پیامبر ضمن دعوت قوم خود به خدا پرستی به آنان توصیه می کرد که کم فروشی نکنید و فساد در زمین بر نیانگیزید، قوم به او اعلام کردند که تورا از شهر بیرون می کنیم، مگر اینکه به کیش ما برگردی.**

خداوند که می داند مشرکان در برابر رسول اکرم اسلام استهزاء می کنند (حجر $\frac{۱۵}{۹۵}$)
و شرک می آورند خطاب به آنحضرت می فرماید (حجر $\frac{۱۵}{۹۷}$) **وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَكْبُحًا لِمَا يَضُرُّكَ بِمَا يَقُولُونَ**.

محققا " ما می دانیم که بخاطر سخنانی که ایشان می گویند سینه تو تنگ می شود. اما تسبیح پروردگارت بگویی و از سجده کنندگان باش و خداوند را پرستش کن و قبل از این آیات خداوند می فرماید (حجر $\frac{۱۵}{۹۲}$) **فَوَرَّيْكَ لِنَسْتَلْتَهُمْ آخِمْعِينَ ۹۳ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ**.

به پروردگار تو سوگند که هر آینه از همگی آنان خواهیم پرسید، از آنچه عمل می کردند.

نظائر عکس العملهای فوق که از اقوام و افراد در گذشته ظاهر شده است این زمان هم مصداق فراوان دارد. اگر پیامبری در میانه نیست که مردم در مقابل او عده ای شان مقاومت کنند و به مخالفت برخیزند، اما مشاهده می کنیم که عده ای سخنان علمای عابد و زاهد را که پیام رسان انبیاء و پیرو خط انبیاء هستند گوش نمی دهند و بهانه و ایراد گیری می کنند، و برای

إِذَا نَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۚ - الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

همانا مومنان کسانی اند که وقتی یاد خدا بمیان آید، دل‌های ایشان از ترس می‌تپد و چون آیات خداوند بر آنان خوانده شود ایمانشان فزونی می‌گیرد، و برپروردگارشان توکل میکنند. ۳ - (مومنان) کسانی اند که نماز را برپا میدارند ، و از آنچه روزی ایشان کردیم ، انفاق می‌کنند. درآیه بعدی می‌فرماید ایشان به راستی مومن هستند، و برای ایشان مدارجی نزد خداوند است . و مشمول آمرزش‌اند و رزق کریمانه‌ای دارند .

درآیه فوق پنج صفت از مومنان برشمرده شده است . و هر کدام از آن صفات وقتی تحلیل و بررسی شوند و سعت زیادی برای بحث بدست می‌دهند ، هر کدام از آنها در عمل منعکس می‌شوند و به نوعی عمل ویژه منتهی می‌گردند .

وقتی با شنیدن نام خدا یا شنیدن آیتی از آیات خدا دل کسی به تپش افتد و خاضع و لرزان بشود نشانه آنستکه به قدرت بی حد و حصر خداوند پی برده و عظمت او را شناخته است مبین آنستکه شخص اعمالی را که خودش در طول عمر انجام داده همه را از نظر خدا برملا می‌داند و متقابلاً " به اینکه عملش آنچنانکه شایسته ذات اقدس ازلی باشد به انجام نرسیده و لذامناثر و شرمنده است . توجه دارد که حاصل اعمال خود اوست که بنای سعادت یا شقاوت آینده او را طراحی کرده است و وقتی شخص به عاقبت‌کار خود اندیشناک است ، نشانه آنستکه معاد و قیامت و حساب و کتاب را قبول دارد ، و ملائکه و میزان و کیفر و پاداش را قائل می‌باشد .



صفت دیگر به استناد (نور ۲۴) - آنستکه مومنان به اذن رسول خداکاری را به انجام می‌رسانند . و این شاخص نشانگر آنستکه مومن رسول خدا را شناخته است . و یادراین زمان گاه و در آنست پیامبر را باید بشناسد و سخنان و دستورات او را که تبیین کننده و شارح قرآنست فراگیرد ، و نکوید قرآن ما را بس است ، زیرا قرآن خوان به مفسر نیاز دارد و برجسته ترین مفسر خود رسول اکرم (ص) است .

مومن مسئول حراست از دین خدا است و تحقق آرمان رسولان را وظیفه خود می‌داند . در هر زمان مومنان مکلفند که بالاترین امانت

بازرگانی و یا خرید و فروش، از یاد خدا، و بر پاداشتن نماز، و دادن زکوه، بیم دارند از روزی که دگرگون می شود در آن دلها و دیده ها.


در آیه بعدی که به پاداش اینگونه مردم خداجوی و خدا دان، اشاره شده است می فرماید:

تا جزا دهد خداوند به ایشان بهتر از آنچه عمل کردند، و بیفزاید بر آنان از فضل خودش و خداوند روزی می دهد به هرکس که بخواهد بدون حساب.

قابل توجه است که در آیه فوق مزد مومنان مسؤول هم تعیین شده است.

بدیهی است کسانی که احساس تکلیف و احساس مسئولیت شرعی می کنند، غیر از عقائد و افکار و اعمال، انتظارات و آرزوهای هم (همانطور که همه انسانها دارند) ایشان دارند، آن آرزو در آیه زیر بیان شده است (احزاب ۳۳) **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ مَا بَدَلُوا بُدَيْلًا**.

از مومنان کسانی هستند که به هرچه عهد با خدا بستند، و فاکردند (از دین دفاع کردند تا به شهادت رسیدند) وعده ای هستند که منتظرند.

پیدایش این حالت نفسانی، اوج اعتلای مقامی است که مومنان مسؤول بدان می رسند یعنی حاضرند بالاترین سرمایه و امانتی را که دارا هستند، و آن حیات آنانست در معرض پشتیبانی از دین خدا قرار دهند. و چنین عهدی کرده اند، و منتظرند که به پیمان خود وفا کنند. و چه عهد نامه گلگون خون رنگی است!  محمد حسن آموزگار

خدارا که احکام و فرامین اوست اشاعه دهند اشاعه دین که برای نجات مردم از کفر و ظلم است و بمنظور سعادت مندی بندگان خدا و وصول آنان به بهشت است، بامقاومت و مخالفت کافران و سلطه گران و جباران همواره روبروست لذا مومنان مسوول حداقل موظفند که بدآموزیها، و مفسده جوئیهای افراد سلطه جو خوش گذران، و ریاست طلب را خنثی کنند و اینکار مستلزم امر بمعروف و نهی از منکر و در نهایت در بعد گسترده ترش دفاع است. و دفاع تدارکات و برنامه ریزی و حضور در میدان می - طلبد. و سخت ترین و درعین حال پریهاترین کار برای حفظ اساس دین، همین دفاع است در مرحله پیکار، مدافعان معمولاً "گاهشش می پذیرند ولی مومنان مسؤول نمی هراسند و میدان را خالی نمی گذارند، زیرا می دانند که مشمول عنایت و نصرت خداوند اند و در هر حال مومنان دیگری هستند که از دین خدا دفاع کنند، و رسول اکرم هم به همین دو تکیه داشته اند که خداوند فرمود:

(انفال ۸) **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبِكَ اللَّهُ وَ مَن آتَبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**.

ای پیامبر کافی است برای تو (پشتیبانی) خداوند و مومانی که از تو پیروی می کنند. خصیصه دیگر مومنان مسؤول، آنستکه به هنگام اشتغال در هر نوع مشغولیت، متذکر به خدا هستند و هرکاری را کلی یا جزئی با نام و برای او به انجام می رسانند در این رابطه فرموده است:

(نور ۲۴) **رِجَالٌ لَا تُلَهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ**. مردانی هستند که باز نمی دارد آنان را